



UNIVERSE

3

RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

6-ISSUE
MINI-
SERIES

THE
BATMAN
WHO LAUGHS



SNYDER
JOCK
BARON

Jack



THE BATMAN WHO LAUGHS 3 SNYDER • JOCK • BARON

RATED T+ TEEN PLUS
DCCOMICS.COM

پدرم می خواست به جراح
مغز و اعصاب بشه.

همیشه به این
موضوع فکر می کرد
که جایگاه خوشحالی..
خوشحالی واقعی در
کجای ذهن قرار داره.

او فهمیده بود که همان
بخش از مغز که برنامه ریزی
تصویری رو مدیریت می کنه
مسئول حس رضایتمندیه
بخشی بنام پریکونیوس.

در نهایت راه دیگه ای
رو انتخاب کرد، ولی
علاقه اون به شاخه اعصاب
پزشکی تا آخر عمر باهاش
همراه بود.

او باور داشت
که برنامه ریزی و
تصور چیزهای خوب
نقش عمده ای در
به واقعیت تبدیل
کردن اونها داره.

هنوز روزی که
تو... سقوط کردم
یادم میاد. وقتی
رو که فریاد
می زدم و کمک
می خواستم.

بهم گفت: "تو
ذهنت ببین بروس.
طناب رو تصور کن
خودتو ببین که داری
به سمت بیرون
حرکت می کنی. خودت
رو شجاع ببین."

همین کارو کردم.

بعضی وقت ها فکر
می کنم که بتمن همون
موقع متولد شد، نه در
کوچه و نه در پس
پنجره.

حالا من به مرد
نقشه ها تبدیل
شدم، تقریباً فقط
نقشه. هر نقشه ای
در امتداد نقشه ای
دیگر.

بعد این نقشه ها
رو عملی می کنم...
یکی بعد از دیگری.
خیلی وقت ها یادم
می ره که به سمت
چیزی رفتن و به چیزی
نرسیدن چطوره... یا
بدتر...

... به هدف پرسی و چیزی کاملاً متفاوت پیدا کنی.



جیمز، باید حرف بزنیم.

من هر کاری که ازم خواسته شده انجام دادم. قول می دم.



می تونی... فقط چند لحظه دست از کار برداری؟

راستش نمی تونم.



متأسفم پدر، همه چیز طبق برنامه و تحت کنترل.

روزی دو بار از انگشتم نمونه خون می گیرم. طبق برنامه.



تا ۳۰۰ فوت می تونم از فاصله تعیین شده دور بشم. ولی هیچوقت ریسک نمی کنم. خونه خونه است. توفقی هم در کار نیست.

بعضی وقت ها غذا رو می دارند دم در پشتی. دسترسه ولی به سمتش نمی رم.



اون شب ها غذا نمی خوری. می دونم جیمز. اینکه من علیه این مسئله رای دادم به این معنی نیست که مواظبت نباشم.

هرگز فکر نکن که مواظبت نیستم.

خوشحالم که مواظب هستی پدر. می دونم هنوز به این قضیه باور داری، ولی...

بس کن دیگه...



...یه لحظه
جواب منو
بده.

من با ناظرها
صحبت کردم. یه کم
اینجا وقت به من دادند.
می خوام بهم گوش
کنی.



اسکن ها رو
دیدم. می دونم
چه اتفاقی برات افتادم.
اگرچه مخالف این
قضیه بودم ولی خوشحالم
که کارت رو خوب
انجام می دی.

من نمی دونم
کارم خوبه یا نه.
راستشو بخواهی بخش ها
هوشیار هستند... ولی
حس بدی دارم... هرگز
چنین احساسی نداشتم.
حس گناه...



...پشیمانی.

نباید حس
بدی نسبت به این
قضیه داشته باشم. من
حاضرم برگردم پدر.
منو برگردون. نمی دونم
حتی...



جیمز، من
اینجا نیومدم
تا برنامه تو رو
متوقف کنم.



نمی فهمم.
اگه درباره اون
موضوع نیومدی پس
برای چی اینجایی؟

در مورد
نقشه ها...



...نقشه هایی
در مورد از بین
بردن صدباره این
شهر.



بتمن،
می تو نم توضی...
می تو نم توضی...
می تو نم توضی...

چیزی برای
توضیح وجود
نداره.

پسر تو
یه روانیه.

هستم
ولی اتفاقی
که...



می دونم چه بلاپی سرت
اومده. تو تحت تاثیر دارویی
هستی که دیاکسماین ۲ نام
داره و توسط بخش دارویی
صنایع وین آزمایش
شده.

طراحی شده
تا با ایجاد رابطه هایی بین
کور تکس جلویی و نتر و مدیال
و آمیکدالا بیماری روانی
رو درمان کنه.

پس حتماً
می دونی که
من به این برنامه
باور نداشتم و فکر
نمی کردم که عملی
باشه. حتی نمی خواستم
به برنامه ملحق...

نه، در وحله
اول موافق برنامه ها
بودی چون فکر می کردی
راهیه برای فرار تا بتونی
افراد بیشتری رو
بکشی.

بتمن
باید بگم که
روی اون تاثیر
داشته.

راستشو
بخواهی اصلاً
نمی خوام تاثیر
داشته باشه.

نه
امروز.



امروز اون نسخه قدیمی تو
رو لازم دارم جیمز. نسخه قاتل
و نابغه. بهش نیاز دارم.

یه کم
بهش زمان بده..

نه پدر.
موردی نداره.

بتمن، اون
روش فکری قدیم من
حتی خاطر اتم... خیلی
بخش ها فقط تاریکیه.

بذار چند
تا مسئله رو برات
روشن کنم.



این نقشه فعلی سیستم آبرسانی شهر گاتهامه. این سیستم در سیستمهایی مربوط به بیست، سی یا هشتاد سال پیش قرار گرفته.

در دهه های گذشته، شرکت های خصوصی پیشنهاد پاکسازی لوله های قدیمی رو دادند، ولی هیات مدیره همیشه تصمیم می گیره خط لوله رو در کنار لوله های قدیمی قرار بده.

این مسئله باعث شده سیستم جدید در برابر حملاتی که از طریق مسیرهای قدیمی صورت می گیره آسیب پذیر باشه.



چند وقت پیش من با همکاری صنایع وین سیستمی امن و اختلال ناپذیر طراحی کردم که شهرداری برانش اسم آخرین خنده رو تعیین کرد.

این سیستم گاتهام رو ایزوله می کنه و مسیرهای ورود آب غیر از مسیرهای متصل به منابع ذخیره سازی مخفی رو می بندد. این منابع مخفی رو می شه با واکسن یا هر داروی دیگه ای پر کرد.

سیستم تقریباً آماده بهره برداری بود. ولی چند ساعت پیش بتمنی که می خندد اون را نابود کرد... تقریباً.

هنوز به مکانیزم برای فعال کردن سیستم باقی مونده و من باید ازش محافظت کنم.

ولی در حال حاضر باید بدونم بتمنی که می خندد از چه مسیری قصد آلوده کردن منابع آب رو داره.

دارم می گم من نمی دونم...

نگاه کن!

چطور می تونم...



چطور می تونی؟! چون قبلاً تنها چیزهایی که می دونستی این چیزها بود! بچه که بود همه اش تو این فکرها بودی!

سیزده ساله که بودی برای خودت افسانه ای بودی! کتاب ها و مجلاتی داشتی که پر بودند از مسیر لوله ها و ترکیب پر از نبوغ اونها!

”راستش تو اینقدر خوب بودی که نظر مجرم ها رو هم به خودت جلب کردی. حتی جو کرم توجه تو شده بود و از تو به عنوان بهترین یاد می کرد.



تمام اون گزارش های قدیمی سالها پیش به GCPD داده شد. همه مهر و موم شده و...

می دونم. کنترلشون کردم. نیستند. احتمالاً بتمنی که می خندد قبلاً بهشون دسترسی پیدا کرده.

اگه نشه میاد سراغت. اونوقت دیگه مجبور می شه به یاد بیاری.

می خوام کمکت کنم...

پس نقشه رو ببین.



من اطلاعات رو دیدم بتمن. اطلاعات کرکشن، زلزلی، وین. جیمز در مورد تغییراتش دروغ نمی گه. نمی خوام بکم اون...

که اون شده. چیه؟ درمان شده. باشه.

چون اگه این مسئله رو باور داشتی اینجا نمی اومدی.



بتمنی که می خندد داره برنده می شه. اون هر چقدر عنصر تاریک تو این شهر وجود داره جمع می کنه تا بروس وین های دیگه رو از دنیاهای دیگه بکشونه اینجا تا بتونه سرمی بسازه که این شهر رو به یه جهنم تبدیل کنه.

هیچ راهی برای پیش بینی نقشه اون ندارم. اون تنها طرح بی نقص منو نابود کرده.

پس دور قضیه جولان نده. شما برای همون دلیل لعنتی که من اینجام اینجا هستم. او می دونی علیرغم چیزهایی که تجربه کرده، هنوز تو از بین بردن این شهر بهترینه.



به این دلیل اینجایی پدر؟

من فکر نمی کنم که تو... ببین، می تونی به بتمن کمک کنی؟ می تونی به هر دو ما کمک کنی؟

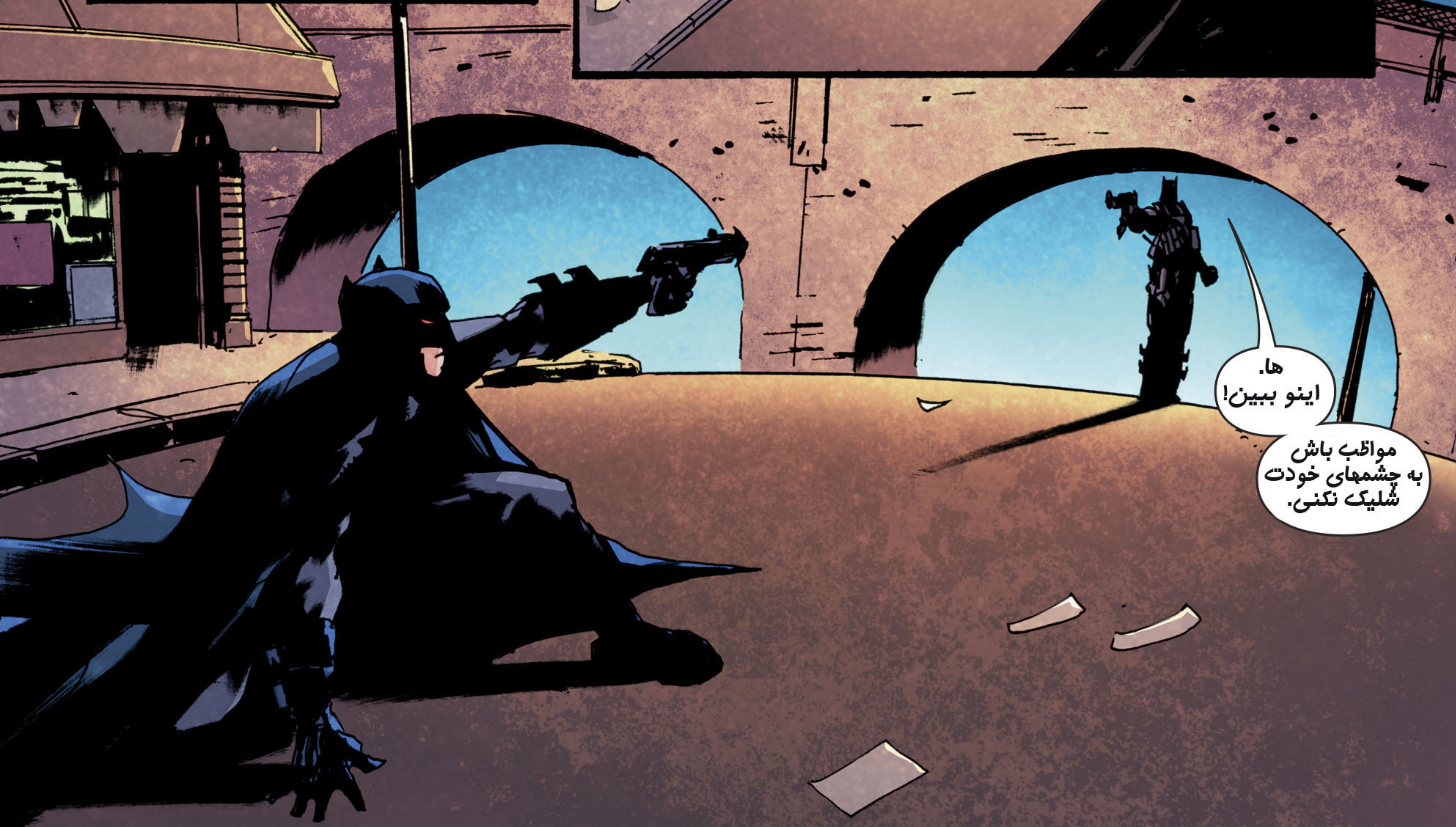
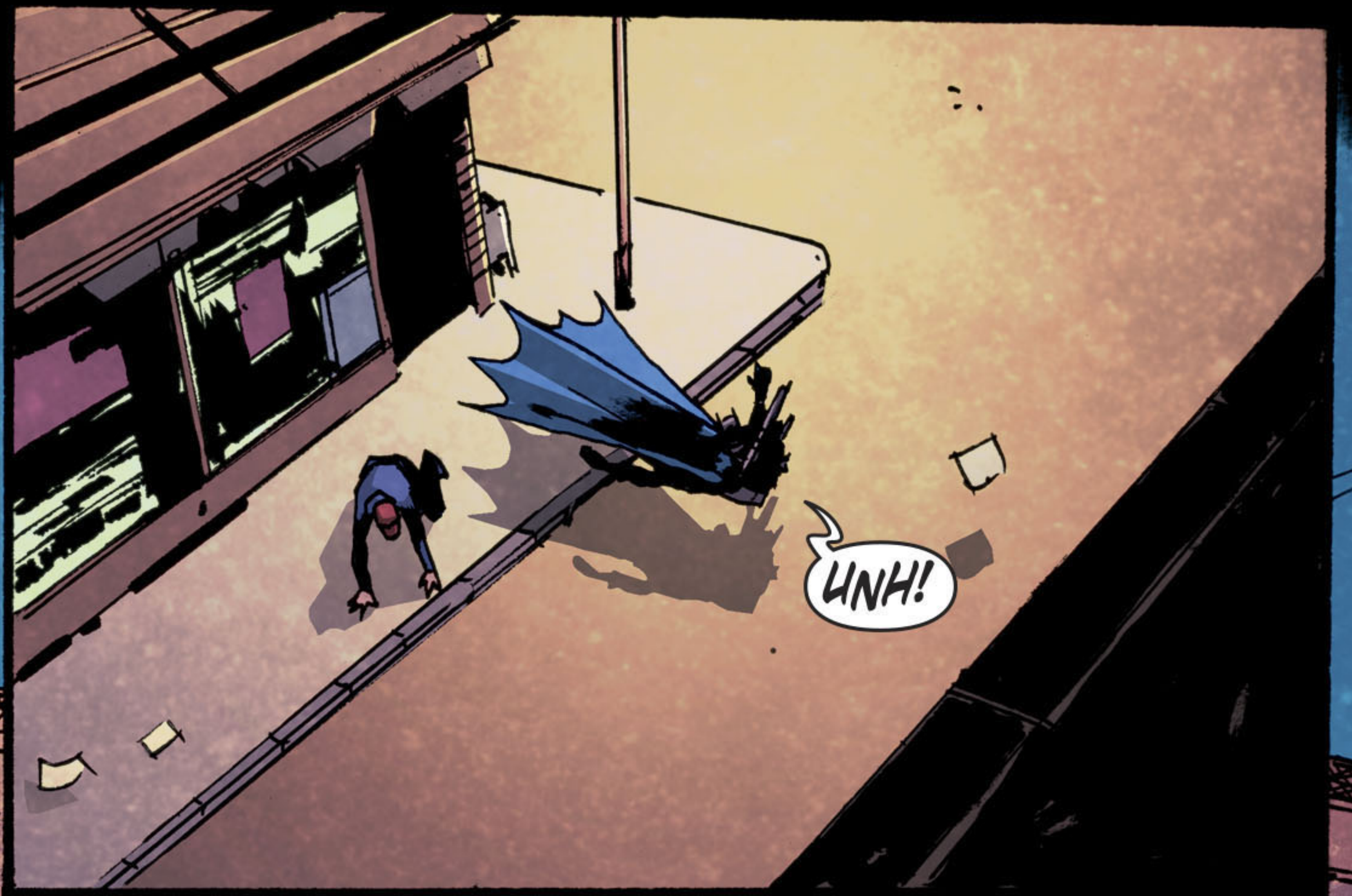


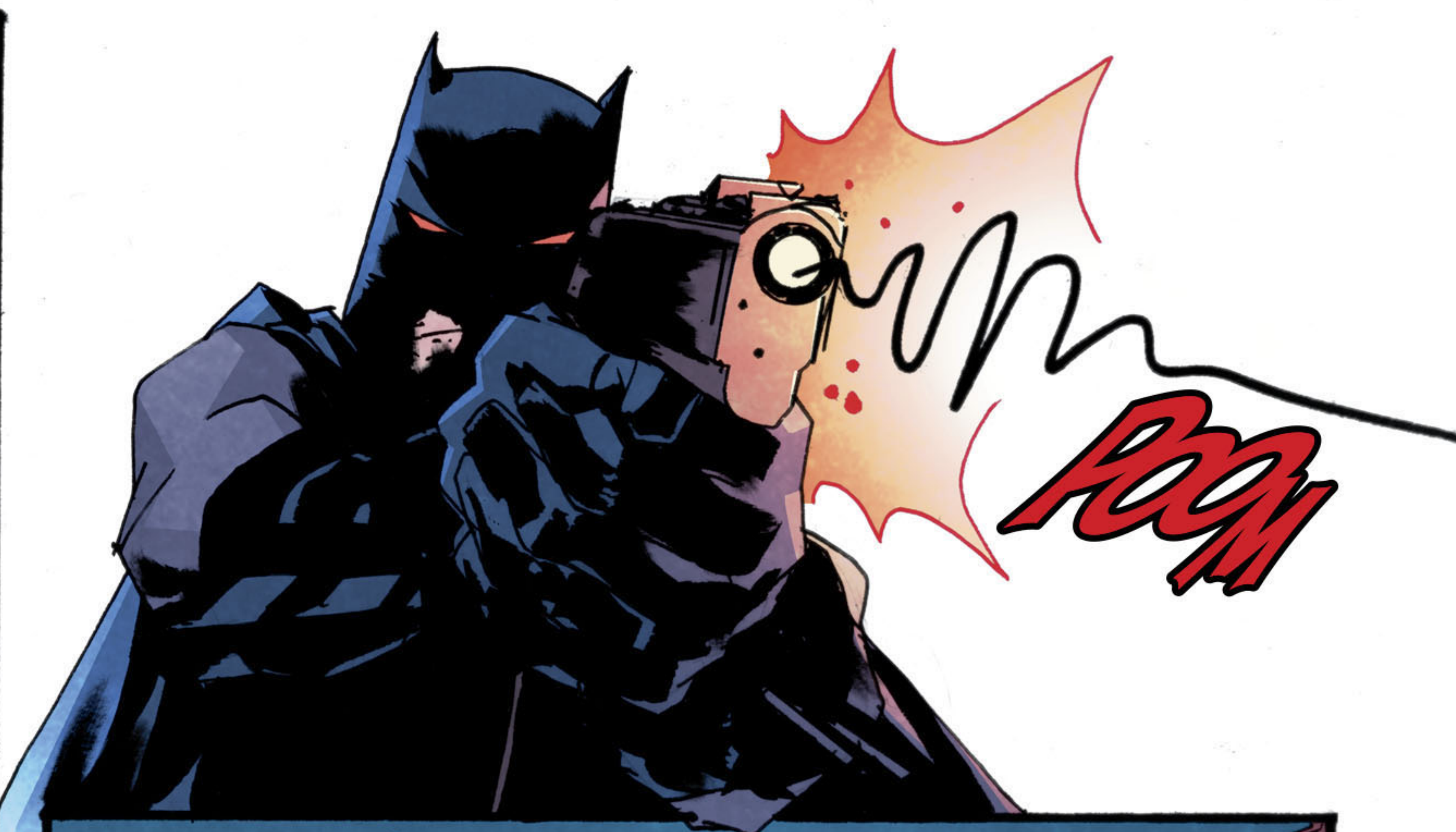
جیمز...

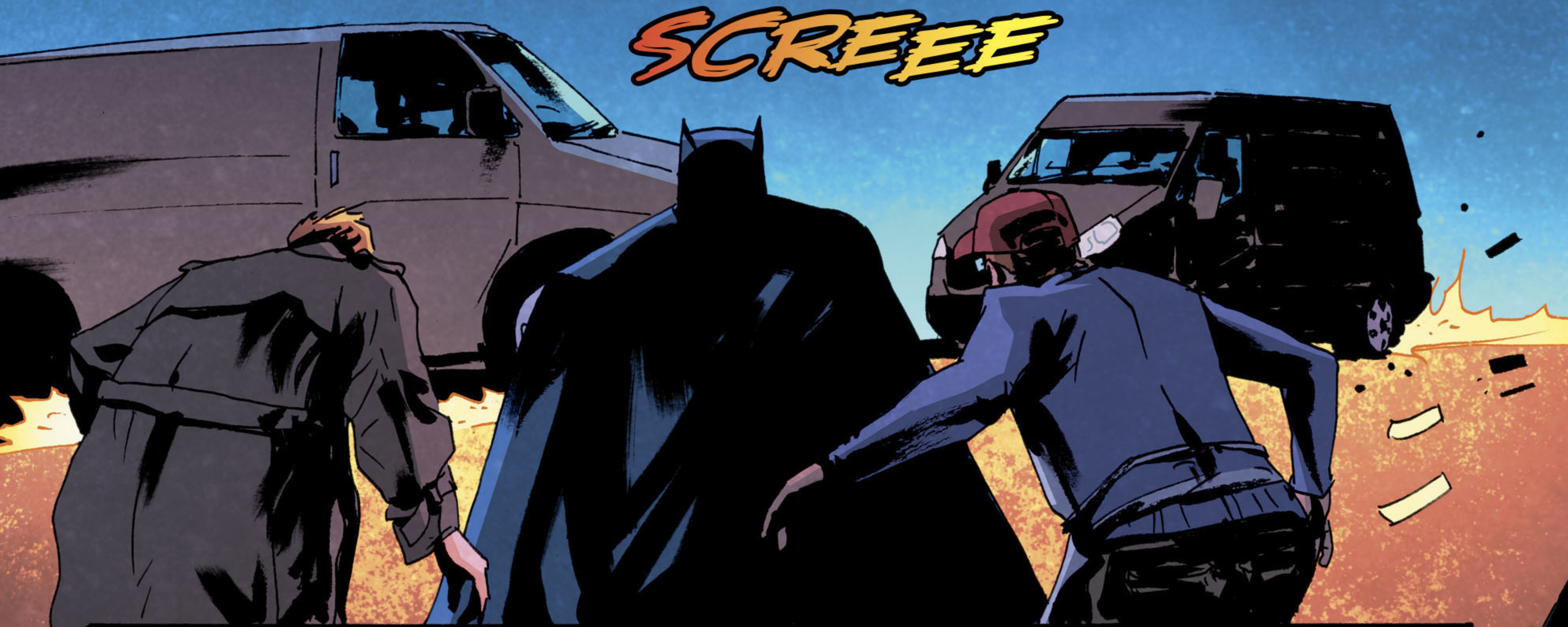
می شه اونو خاموش کنی و با من صحبت کنی؟



من... من این کارو نمی کنم









دوباره سلام.

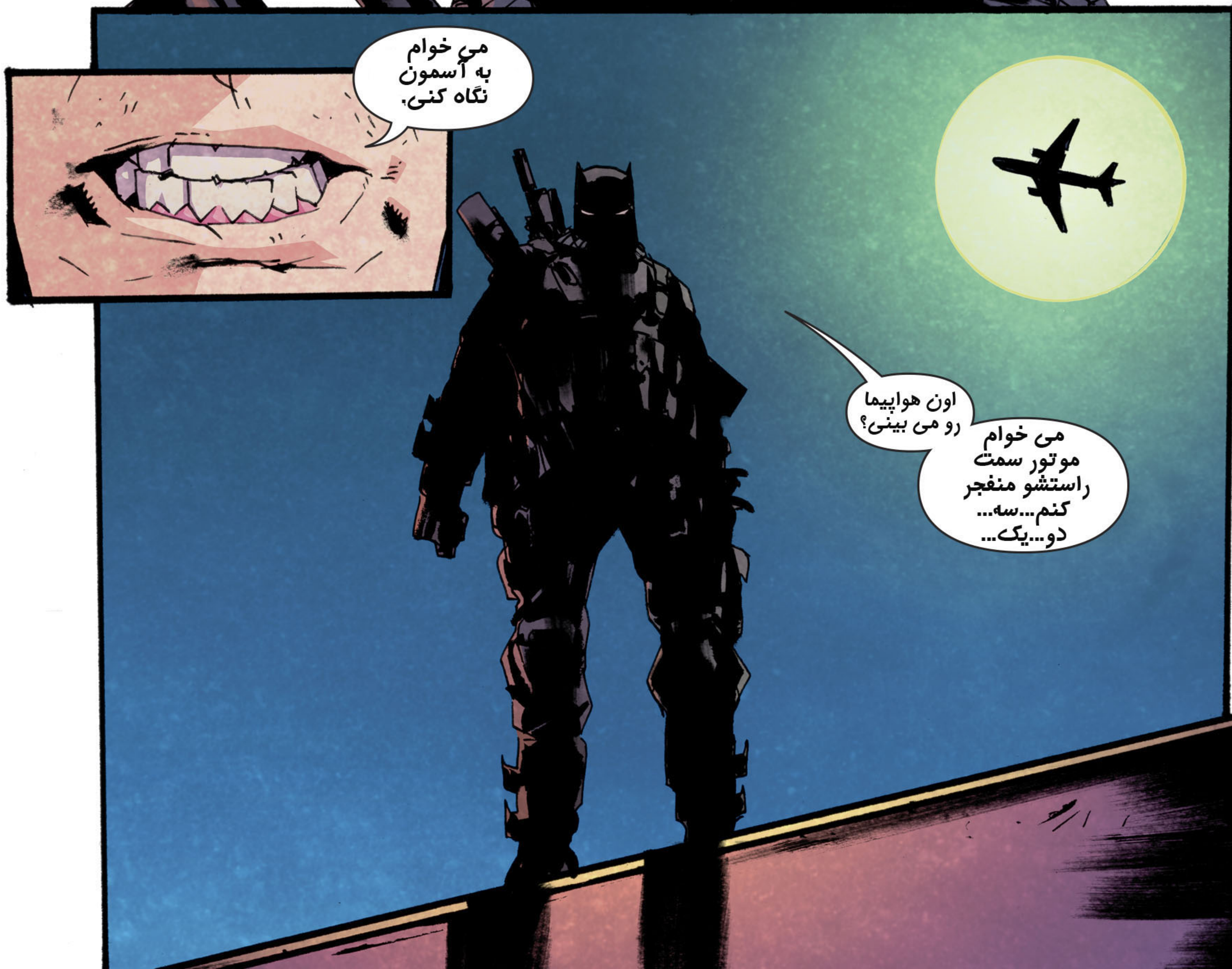
الان تو دنیای من گاتهام غار خفاشی منه. روی سیستم توزیع آب و تصفیه هوا، ماشین ها و حتی چراغ های راهنمایی و رانندگی علامت "خفاش" نقش بسته. شهر مستعمره منه.

ولی اینجا باید از شکاف های موجود باید استفاده کنم. مستعمره کردن شهر تو هم برام ساده است. می بینی که تا حالا کارم بد نبوده.

ولی در مورد خلافاکارها... هرگز تمیزشون نکردی. در گاتهام من نه جوگری هست نه مترسکی و نه معماسازی.



بتمنی هم توش وجود نداره.



می خوام به آسمون نگاه کنی.

اون هواپیما رو می بینی؟

می خوام موتور سمت راستشو منفجر کنم... سه... دو... یک...



گوردون رو به
من بده وگرنه اون
هوایما-- پرواز ۳۷۸ با
۷۲ سرنشین که ۴۱ نفر
از اونجا اهالی گاتهام هستند
تو مرکز شهر سقوط
می کننند...

و...
همه می میرند.



جیم.



نه.
بتمن،
ما جیم رو
به این موجود
نمی دیم.



جیمز
اون دنبال
گوردون نیست.



چه غلطی
می خواهی...؟

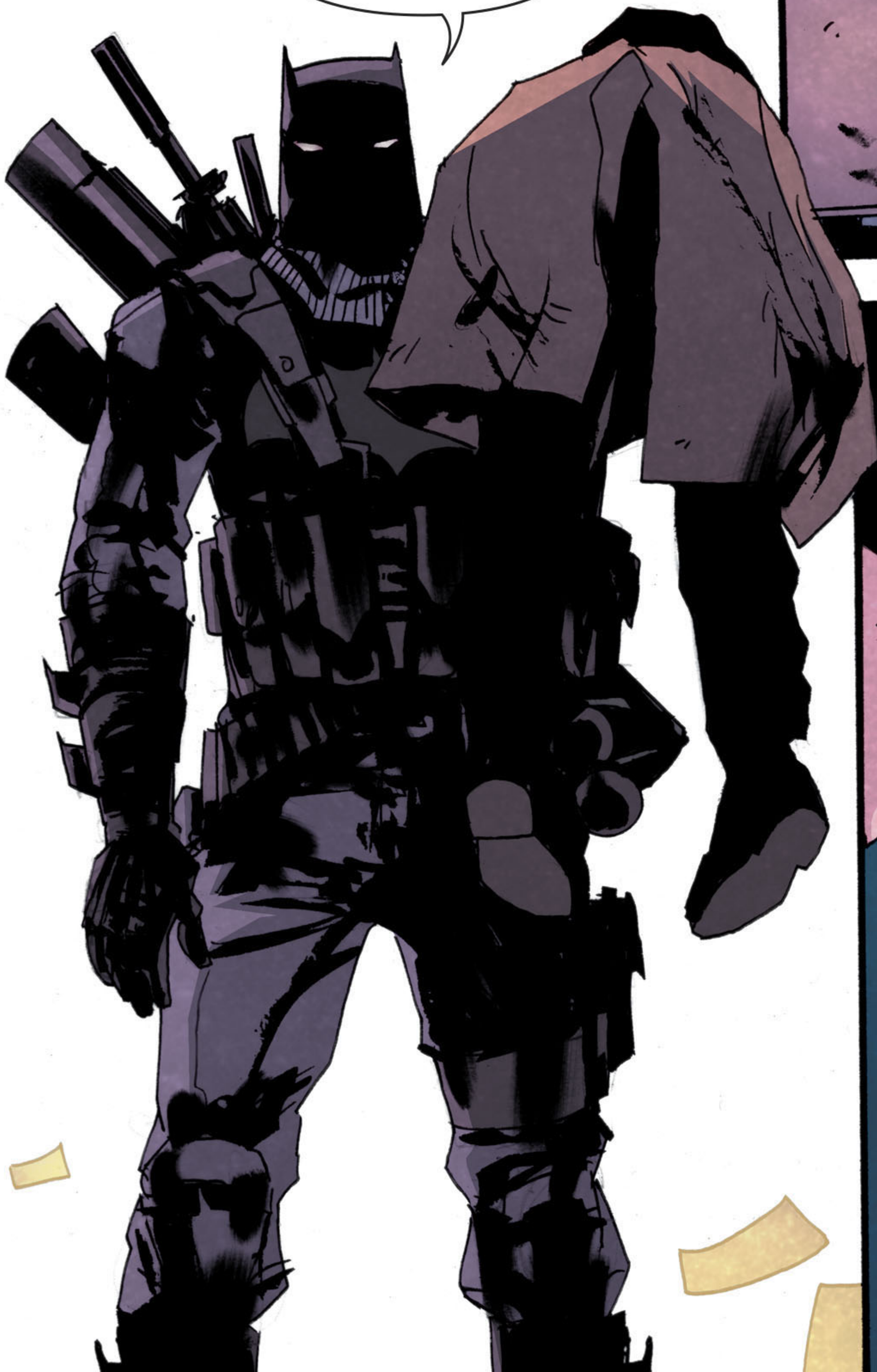


اگه خواستی
دنیالم بیا. ولی
مطمئن باش جایزه هاتو
جمع کنی. ۷۲ تا از اونها
تو جاهای مختلف شهر
پخش خواهند شد.



نمی فهمم
چرا باید...

سیستم آخرین
خنده رو دستکاری کردم.
فقط من برای تغییر دادنش
کافی نیستم.



فقط
مجوز من و کسی دیگه
که بهش اندازه کافی
اعتماد دارم، لازمه.

پدر تو.

می خواهی
بگی...

می خوام
بکم...



قربان؟

لعنتی.

دوباره
باختیم.



ولی این
یکی رو صد بار
هم بندازی عدد
زوج %& می ده.

این طاس
یه مرگش هست. باید
شانس شش بیشتر باشه.
و در مورد یک ده درصد
شانس.



و تو
مسیرها خون
دیده می شه قربان.
خون زیادی ریخته.
و شاید...اعضای دیگه
بدن. سخته...

فرستادم.
همه رو فرستادم.
ولی هیچکس جواب
نمی ده.

قربان یه نفر...
دم دره که از اینجا نم ره.
هر دفعه ازش می پرسم کیه
یا چی می خواد تنها چیزی که
نجاگنان می که اینه که "بتمنه"
و می خنده.

حتماً یه
معتاده. نیروهای
حفاظت رو بفرست
احمق.



چی؟
پکستر، پن
بیایید اینجا!

ببینید...

بسه! سلاح های
منو بیارید. هر اتفاقی
افتاد در رو باز نکنید. این
یازو هر کی هست...

قبلاً بخت
گفته بودم...



... من بتمنم!
هاهاها!

حتماً هستی...

آره که هستم.
و مثل بتمن
شما، همه چیز رو
در مورد این محل،
می دونم. اینجا
عالیه اوسوالد.

از آفتامین
حل شده تو مکعب های
یخی گرفته تا محصولات
وارداتی دزدی که جایزه می دی
اینجا همیشه پارتی برقراره!



چیز مورد
علاقه من این
چترها هستند
که الکل پخش
می کنند! خیلی
سرگرم کننده اند!

همه رو
به رقص
وا می داره.

مخصوصاً اگه
یه جرقه هم بندازی
توش.



یالا، برقصید.
فریاد یادت نره.

AAAGH!

AAA/EEEE!



بکشیدش!
این دلگه @%#
رو بکشید!

نیروهای دفاعی
این محل
فوق العاده اند...

... میزهای
ضد انفجار، شیشه های
ضد گلوله مخفی در
یخ های این قفس.

دستگاه های
شوکه فوق قوی برای
کشتن دشمنان به شکلی
که مرگ شبیه حمله
قلبی باشد؟



نه... صبر کن!
هر چی خواهی
بهت می دم.

آماده.

AGH!

عالمیه.
هر چی اینجا ساختی.
تو استعداد فوق العاده ای
داری و اونها رو به واقعیت
تبدیل کردی. هر بتمن
زنده ای تو رو برای همه
اینجا تحسین می کنه
اوسوالد.

راستش،
می خوام بهت رازی
رو بگم... همه فکر می کنند
که دشمن نهایی بتمن تو
هر زمینی جو کره، یا
معماساز یا معما...

...ولی بزرگترینشون
تویی. تو این امپراطوری
جرم رو ساختی. تو بعضی
دنیاها تو برنده ای. بعضی
افراد رو بر علیه اش
می شورونی. تو بعضی هاشون
هم اون برنده است.

دنیاها
مورد علاقه من
اونهایی هستند
که تو اونها بتمن
برای شکست دادن
تو مبارزه می کنه.

جاهایی که
تووش بتمن
در مورد قمارخانه ها
و شبکه توزیع
موارد اینجا نظارت
داره... که بیشتر
وقت ها با کمک
دوستشه...



یعنی،
الان یه کم
ذهنش باز تره.
ولی...

در مورد
مشکل طاس؟
اونی که خیلی
درست می چرخه؟

برو سراغ مردی
که برات کار می کنه
مالونی.



MMMMM...

مالونی...

"خیلی راه برای
فاسد کردن سیستم
وجود داره..."

زیر شهر گاتهام

...گاتلم
سه تا منبع داره
که می شه از طریق
حداقل سه تا مسیر به
هر کدوم از آنها نفوذ
کرد.

پس داریم
راجع به نه تا
هجده راه آلوده
کردن آب حرف
می زنیم.

می خوام
بدونم از کدوم
یکی می خواد استفاده
کنه. می خوام برام
پیداش کنی.

متأسفم بتمن.
من قبلا تو
این کار خبره بودم.
ولی الان...



کدوم
یکی؟! کدوم



کدوم
!@#%&!

WUMP



بتمن!
صبر کن! این
کارو نکن! اگه هر
کدوم از این مسیرها
آسیب ببینند
کار سخت تر می شه!

سعی خودمو
می کنم! قول
می دم...

سعی
می کنم.

متأسفم
جیمز.

آمادگی اینو
نداشتم... نه اینقدر
زود. آخرین خنده
تمام نشده بود. متال
سیاه تو شهره...

...از زمان
آخرین مبارزه ام با اون
صنایع وین داره رو تغییراتش
کار می کنه. زیر غار من کار زیادی
ناتموم مونده. ولی هیچی
کامل نیست.

بگو ببینم.
اون تحت تاثیر
قرارت داده؟

چی
می گی...

با هر
چی که داره
آلودت کرده.

نمی تونه منو تحت کنترل
بگیره. انقدر پادزهر دارم
که منو تا یک هفته سرپا
نگه داره. چطور...

شاید نتونم
مثل گذشته فکر کنم.
ولی این صدا رو می شناسم.
صدای تو...



سطح مسطحی
که درون سیستم
قرار داره. یادم میاد
می خواستم مخفی‌ش کنم.
می خواستم ببینم می تونم
سر پدرم کلاه بذارم.

قبلاً عادت داشتم
قبلاً برای خودم کارت تبریک
بخونم. چون پر از احساس بودند.
لحن ترانه "ممنونم که پیشم
بودی!" رم تقلید می کردم
نقش بازی می کردم.

پدرم
می خواد برنامه
رو متوقف کنه
درسته؟

آره کارهای
قانونیشو یک هفته
پیش انجام داده.

اشکالی نداره. فقط
همین... اون صدای قدیمی
رفته. مثل آخرین خنده تو.
انگار ارتباطم با سیستم های
قدیمی قطع شده و با این
سیستم جدید عجیب
ست شدم.

همه چیز
متفاوته. نگرشم به
دنیا، مردم. حتی
تو ذهنم تجسم
می کنم...

فقط...
دوست داشتم
ببینم به
کجا می رسه.

قراره بهش
ببازم جیمز
درسته؟

برای اولین
بار تو عمرم...
بتمن بودنم به
نفعم کار نمی کنه...

قربان! آقای
بروس!

تماس
آفرد...

آفرد؟
چی شده؟
چه مشکلی
پیش اومده؟!

متأسفم
قربان.

خودشه...
جوکر.

...انقدر میزان
دارو زیاد بود که نباید
می تونست ببینه، حرف
بزنه یا حرکت کنه...
ولی...

ولی چی؟

چند لحظه
پیش...
اون...

چی؟!!


بلند شد
و همه اش
می گه...



داری قلب منو می شکنی.
هییییی


”بعد به من
حمله کرد و همه
چیز رو به هم
ریخت...“

”...بعد در حالی که
فریاد می زد...یا
می خندید...فرار
کرد...منو ببخشید
قربان.“



بتمن، چی شد؟
چی شده؟

اتفاقی
که افتاده
الان متوجه شدم.
حق با تونه.



حق با
منه؟

آره، حق
با تونه. حق با
اونه. همتون راست
می گید. همه...



تغیر از من.

قربان؟ آقای بروس؟



من صدای آژیر می شنوم. شما تو...

عدم دسترسی.

چی... غارید؟



سیستم ورود اصلی قفل شد؟

BEEP



قربان! آقای بروس!؟

آقای
ب...

CLANG

چی
ش...

همه...
پادزهرهای
جوکر؟
شکسته...؟

CLANG

چی می خواهی
آلفرد؟

من چی
می خوام؟!؟

آقای...
بروس...
اون پایین چی
کار می کنید؟

چرا درها رو قفل کردید؟
من برای کمک اینجام. یه
راهی پیدا می کنیم...

هه.
همین دیگه
آلفرد.

شاید نقشه
ما... شاید راهمون
اشتباهه.

شاید همیشه
اشتباه بوده.

CLANG

CLANG



چی دارید
می گید؟!
بروس،
نمی تونی...

CLAN

وقتی
ساختمش
حق با من
بود...

... طرح بزرگ
من. بیرون او مدن از
تاریکی بود. شجاع بودن.
معنی این حرف چیه آلفرد؟
من غار رو نبستم. خفاش ها
رو نکشتم... من از اون حفره
صعود کردم بارها
و بارها. هه.

یه نفر
می خواد شهر رو
تو تاریکی بفرسته.
کمک می کنم از شن
بیاد بیرون... صعود...
صعود کنه... و
شجاع باشه!

بروس انگار
خودت نیست...

ولی مردم
می میرند. همه
تو گورهای دسته جمعی
آروم می گیرند. خیلی
زیباست. برای چی برنامه ریزی
می کنی؟ برای خوشبختی؟
نه. امنیت. هه.

من چی ام
آلفرد؟ یه طناب؟
ولی خفاش یه پیام آورده
از دنیای زیرزمینی. اون
بخت می گه چیکار کنی، نه
اینکه به چی تبدیل بشی. اگه
پیام رو اشتباه متوجه شده
باشم چی؟ اگه همه چیز
رو اشتباه متوجه شده
باشم چی؟



قربان...
دارید چی می سازید؟!
بهم بگید چی دارید
می سازید!

CLAN

کار من
تمومه.

اینکارو
نگن بروس،
...بتمن عمل
می کنه!

دیگه بسمه.
نمی خوامش.

طرح ما همینه!
الان و برای همیشه!
اون خود
برنامه است!

دوست
قدیمی متأسفم...





...ولی نقشه ها
عوض می شن.

THE BATMAN WHO LAUGHS

THE LAUGHING HOUSE

PART 3

SCOTT SNYDER Writer JOCK Artist
DAVID BARON Colors SAL CIPRIANO Letters
JOCK Cover RICCARDO FEDERICI Variant Cover
DAVE WIELGOSZ Asst. Editor KATIE KUBERT Editor
JAMIE S. RICH Group Editor
BATMAN Created by BOB KANE with BILL FINGER